



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۰۴/۰۵



صلاح الدین سعیدی

انسان بی شرف

شرف ملکه ، جوهر و قاضی است که انسان را به معیارها و اندازه گیری های اخلاقی با قضاوت داخلی و خودی از کردن کاری که باید نه شود، و از نه کردن کاری که باید شود ، باز میدارد و کارش را استقامت میدهد ! برتری ایمان و اخلاق مانند قاضی داخلی، همان برتری است که انسان غیر معتقد به خالق لایزال، آنرا ندارد ! هر انسان بلا استثناء ملکه، ضمیر و وجدان قاضی داخلی دارد! این ملکه و قاضی داخلی را دئوس و وطن فروش و قاتل هم دارد، ولی این ملکه، ضمیر و جوهر داخلی به مرور زمان با عدم ممارست و ارتکاب جرایم خورد و بزرگ زیر خاکستر شده و به تدریج تاریک و تاریکتر میشود! این به تاریکی رفتن به چنان مراحل در ابتداء میرسد که با ارتکاب جرم و جنایت معمولاً و در ابتداء مرتکب تخلف نیز احساس شرم و خجالت میکند! احساس نا آرامی و نا راحتی میکند و ضمیر انسان شخص متخلف را در داخل، آزار و آذیت میکند. ولی غرور، تکبر، جهالت و تداوم در ارتکاب جرایم، مثلاً مرتکبان جرایم در سطح بزرگ و خورد، مرتکبان جرایم جنگی در کوریا، ویتنام، جنگ جهانی اول، دوم، انقلاب کبیر اکتوبر ۱۹۱۷ ... و در ۵۰ سال اخیر در افغانستان و منطقه و در عصر حاضر در عراق، یمن، مصر، افغانستان و بلاخره جنایات حاکمیت اسرائیل در شرق میانه و علیه فلسطینی ها و عملکرد های گروه های افراطی و عده از عمال حاکمیت دیفکتو و از جمله تعذیب های وحشتناک و قتل های ماورای قانون و از جمله تعذیب و شهادت رسانید مخالفین سیاسی خود و از جمله قتل و به شهادت رسانیدن سه خانم که اخیراً بعد از دستگیری توسط عمال حاکم در افغانستان دستگیر و اجساد شان اخیراً یافت شد، همه و همه، گپ به جای میرسد که آن حالت طبیعی خجالت و چشم خمی از ارتکاب جرم و جنایت به گردن فرازی و ارتکاب جرم بدون خجالت میرسد و این حالت حالت بس خطرناک و درد آور است که انسان مانند اشرف المخلوقات چنانیکه به معراج و بلندترین راههای صعودی را میبیماید، به همان انداز سیر نزولی و انحطاط را تا اسفل السافین، پیموده میتواند و میبیماید! دلیل و خوار هم از همین سلسله است! از پولیس و حاکم قانون با داشتن حق استعمال سلاح و امکانات قهریه ای مشروع علیه متخلف ، بدون مبرر شرعی و قانونی، جنایتکار تاریخ و جلاد بی شرم و بی عزت مبدل میشود و ماها میگوییم فلان کس وجدان و عزت ندارد! بلی پولیس میتواند بخاطر توقف و متوقف ساختن متخلف حتی از وسایل ناریه و جارحه کار بگیرد. اما اگر متخلف را اسیر و یا ناتوان سخت ولی به تشدد علیه وی ادامه میدهد، دیگر آن حق و مقام اولی را ندارد، متخلف، قاتل و بی وجدان و بی ضمیر پنداشته میشود. دستگیر مخالف سیاسب و بعد یافتن اجساد شان از همین ارتکاب جرم و جنایات است که حد اقل ثبت تاریخ خواهد شد و محاکمه الهی ح حتمی وجود دارد ! در کل با مغز آرام به یقین گفته میتوانیم که در واقعیت تمام انسانها ملکه و جوهر شرف، ضمیر و قاضی داخلی را دارد، ولی به مرور زمان و عدم ممارست، حالن به جای میرسد که میگوییم « آن شخص بی شرف و بی وجدان و بی ضمیر است!»، در حالیکه این مطلقیت مبنی بر نداشتن وجدان ، شرف و ضمیر، تأکید غیر دقیق و نادرست است ! همه انسانها چنین ملکه و جوهر را کم و لیش دارند !

الهی ما را هدایت نیکی کن و توان اعطاء فرما تا با عبادت ، ممارست و صیقل کردن روزمره وجدان و جوهره و شرف داخلی خود، آنرا براق و براق تر سازیم و به مرحله برسیم که در آخر امر رسالت زندگی را اداء و پوره کرده بتوانیم !

و من الله التوفیق

داکتر صلاح الدین سعیدی

۰۰۴۴۷۸۸۶۴۷۴۶۳۸